

ماهنامه فرهنگی دانشجویی
سال دهم، شماره ۱۴۷، فروردین ماه ۱۴۰۱
صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز

ماه رمضان، ماه بهار دلها

نگاهی بر فیلم
«موقعیت مهدی»
از شعبان پیامبر تا
فروردین خمینی
سلام بر غریب بقیع
دیدار نگار

دیدار با خانواده معظم شهید محسن حاجی حسینی کارگر



تقدیم به شہدای گمنام



ماهنامه فرهنگی دانشجویی

سال دهم، شماره ۱۴۷، فروردین ماه ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز
شماره مجوز: ۲۵۹/کنش



شناسنامه

مدیر مسئول:

فاطمه کریمی

سردبیر:

زهرا خدامرادی

اعضای هیئت تحریریه:

زهرا خدامرادی، بهرخ قادری، زهره کرمی، فاطمه

مددی، فاطمه مرادپور جغداری، زهرا منفرد، نگین

نوروزی، زهراسادات واعظپور

ویراستاران:

زهرا خدامرادی، فاطمه کریمی

صفحه آرای:

زهرا خدامرادی

فهرست مطالب

۵ سخن سردبیر

۶ ماه رمضان، ماه بهار دلها

۹ سلام بر غریب بقیع

۱۰ بانوی آفتاب

۱۱ از شعبان پیامبر تا فروردین خمینی

۱۳ تولید؛ دانش بنیان؛ اشتغال آفرین

۱۵ زندگی زیباست / معرفی کتاب

۱۶ نگاهی بر فیلم «موقعیت مهدی»

۱۷ دیدار نگار / دیدار با خانواده شهید محسن حاج حسینی کارگر



eitaa.com/myshohada



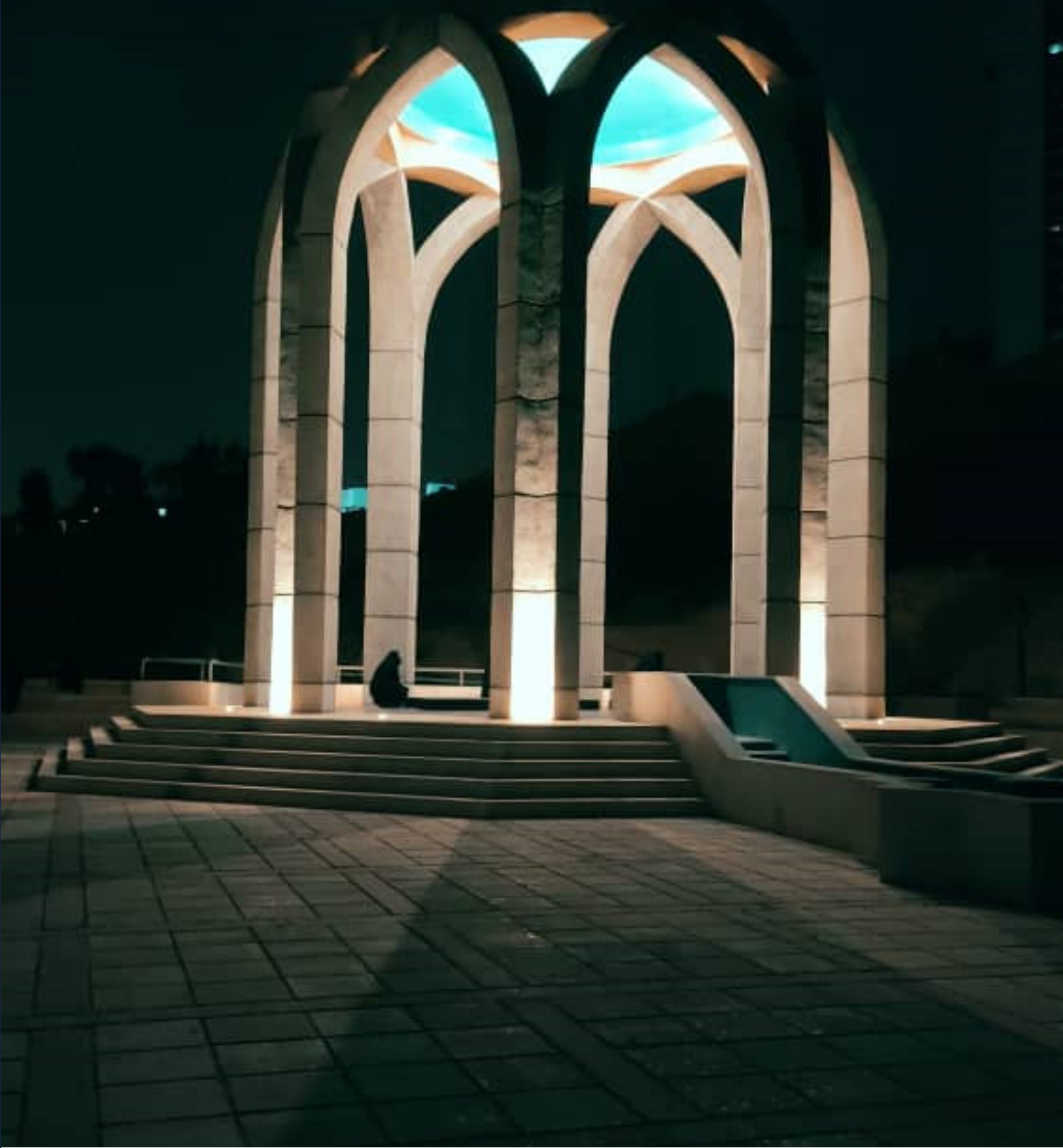
[instagram.com/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)



۰۹۱۷۷۸۷۳۹۹۸

جای قلم‌های شما در دیدار خالی‌ست، پذیرای آثار و دست‌نوشته‌های گرانقدرتان هستیم. همچنین نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما مایه‌ی مسرت ما و ارتقاء نشریه خواهد بود. برای ارتباط با ما کافی‌ست یکی از راه‌های ارتباطی روبه‌رو را انتخاب نمایید:

ای خوش آن ها که دمی لایت دیدار شدند...



سخن سردبیر

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی ست که از سال ۱۳۷۹ توسط ۵-۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته و دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال می کنند.

دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است. در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزه‌ای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش می‌رود و به کمال عقلانی می‌رسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می‌شود. خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر می‌کند بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی می‌کند و از پرتگاه بی تفاوتی نجات می‌دهد و حیطه‌ی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده می‌کند که گاه توانسته ملتی را نجات دهد و جامعه‌ای را زنده کند. تلاش مادر «دیدار» بر این است که دانشجو قلم تفکر و دغدغه‌ی خود را به تحریر درآورد. همچنین در هر شماره تلاش می‌شود گوشه‌ای از رشادتها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره‌ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۖ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا

ماه رمضان، ماه بهار دلها



ماه رمضان به عنوان ماه مهمانی خدا شناخته می شود زیرا جزء ماه های قمری است که در کنار ماه شعبان و ماه رجب، از فضیلت بالایی برخوردار است.

سوالاتی در اینجا مطرح می شود و آن هم این است که چرا ماه رمضان، ماه پر فضیلت و پر برکتی است؟ ماه رمضان، خصوصاً روزه گرفتن چه تأثیراتی بر روح و روان و عادات بدی که انسان دارد، خواهد داشت؟

ماه رمضان در نزد خداوند متعال ارزش زیادی دارد؛ زیرا در این ماه کتاب آسمانی مسلمانان قرآن نازل شده است، ماه جاری شدن خیر و رحمت الهی بر بندگان و همچنین ماه پر فضیلتی است که در آن پذیرش توبه انسان ها به درگاه خداوند جایگاه ویژه ای دارد. ماه مبارک رمضان علاوه بر خیر و برکتش، آداب مخصوصی هم دارد.

یکی از آداب اصلی و زیبای این ماه، روزه گرفتن است. فوایدی که روزه برای جسم و روان انسان به همراه دارد، بسیار مهم است و این مسئله ابتدا از نظر دینی (یعنی دین اسلام) و سپس از نظر علمی به اثبات رسیده است. تأثیرات خوبی که روزه گرفتن بر جسم انسان ها دارد بسیار است که در اینجا فقط به چند مورد آن اشاره می شود که عبارت اند از: افزایش سوخت و ساز بدن، افزایش قدرت سیستم ایمنی بدن، جلوگیری از بروز بیماری هایی که در کهنه سنی، انسان به آن ها دچار می شود، افزایش قدرت حافظه و... امروزه در بسیاری از نقاط دنیا، انسان ها به دلیل نداشتن پشتوانه های معنوی دچار ناراحتی های روحی و روانی بسیاری هستند که آن ها را به سمت انجام کارهای خطرناکی همچون قطع حیات نفس می کشاند. پس چگونه می توان برای این مشکل راه حل پیدا کرد؟ اسلام برای این مسئله، راه حل های خوبی را برای مسلمانان ارائه می کند که یکی از آن ها روزه گرفتن است. مهمترین تأثیرات روحی و روانی روزه را می توان مقاومت در مقابل شهوت، افزایش امید، خودباوری، اعتماد به نفس، توانایی و انگیزه جهت انجام فعالیت های مختلف، جلوگیری از بروز افسردگی و... معرفی می کند. وقتی صحبت از روزه گرفتن می شود، صرفاً منظور اجتناب چند ساعت از غذا خوردن و نوشیدن آب نیست. بلکه روزه ای است که به موجب آن از انجام کارهای حرام مثل غیبت، نگاه به نامحرم، تهمت زدن، بد دهانی کردن و بسیاری از کارهای دیگر اجتناب شود. دوری

از انجام این کارها به مدت سی روز تبدیل به عادت می شود که می تواند زندگی های بسیاری را با تحولات عظیمی روبه رو کند. ماه مبارک رمضان ماه امید و آرزوی بندگان خداوند است. بندگان که عمری را با غفلت به سر برده اند و در خزان زندگی خود قدم بر می دارند، بدون آنکه بدانند زندگی چیست و از آن، چه می خواهند. اگر بخواهند بی هدف باشند که نمی توان گفت زندگی می کنند. زیرا صرفاً موجوداتی هستند که زنده هستند و زندگی نمی کنند. چیزی که می تواند به خودشان و زندگی شان رنگ، بو و معنا ببخشد، پیروی از دستورات الهی و پیامبر بزرگ اسلام (ص) است که این پیروی بی دلیل نیست. زیرا گاه صلاحی در انجام آن ها وجود دارد که ممکن است از آن بی خبر باشیم. یکی از احکامی که خداوند از طریق پیامبر بر مسلمانان اعلام و واجب کرد، روزه است. روزه همانند سایر عبادت ها علاوه بر آداب و احکام مخصوص به خود، اسراری دارد که به عالم ملکوت و آن چیزی که در درون و بطن آن وجود دارد، بر می گردد. یعنی هر چیزی که خداوند بر ما واجب کرده است، خالی از صلاح و فایده نیست. روزه؛ حائلی در مقابل آتش:

روزه همانند سپر و محافظی در برابر آفت ها و شهوت های دنیایی بروز پیدا می کند؛ البته باید راز مهم سپر بودن روزه را در تأثیری که در نفس روزه دار دارد، پیدا کرد. زیرا این تأثیر روزه است که باعث می شود آدمی قدر خود و موهبت پروردگارش را بداند و از خود و نفس خویش در مقابل اعمال حرام محافظت نماید. چه بسا کارهای حرامی که روزانه انجام می شوند مثل همان صحبتی که به تعبیر برخی ها حرف های روزانه و یا اظهار نظرهای ساده است اما در حقیقت غیبت است که پشت سر برادر یا خواهر دینی خود انجام می شود، بدون اینکه توجهی به آن ها شود. این بی توجهی ما است که زمینه ساز بسیاری از مشکلات مانند بی توجهی به رضایت خدا و دوری از او می شود و زندگی ما را همچون برگ های پاییز، افتاده و بی روح می کند. پس باید با استفاده از فرصتی که خدا از طریق ماه مبارک رمضان، در اختیارمان قرار داده است، به زندگی خود طراوت و تازگی ببخشیم و همچون فصل بهار سرشار از رویش، بالندگی و زیبایی کنیم. مگر انسان چند بار در این دنیا متولد می شود و زندگی را تجربه می کند که بخواهد دو روز عمرش را به بیهودگی و اشتغال به چنین کارهایی بگذراند.

خدا را حتی روزه دار را می خواهد نه زحمت او را: آیات متعددی از قرآن کریم به مبحث روزه و آداب مخصوص آن اختصاص دارد. آیه ۱۸۵ سوره بقره یکی از آنهاست است: (روزه در چند روز معدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد و آن کسی که بیمار و در سفر است، روزهای دیگر را به جای آن، روزه بگیرد. خداوند راحتی شما را می خواهد نه زحمت شما را. هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید. باشد که شکرگزاری کنید.

نکته: خداوند هر کاری را که بر انسان واجب کرده است، به صلاح او قرار داده است و می خواهد که انسان به سختی و مشقت نیفتد و در کمال راحتی و آرامش خاطر، آن را انجام دهد و اگر بنا بر دلایلی نتوانست آن ها را انجام دهد، راه حل هایی (که در اینجا منظور راه حل های جایگزین برای روزه نگرفتن است) قرار داده است مانند كفاره. در خطبه ۶۱۰ نهج البلاغه امیرالمومنین علی (ع) در این مورد به زیبایی هر چه تمام تر صحبت کرده اند.

روزه؛ خوشبو تر از مُشک:

انسان روزه دار با روزه گرفتن، خود را با حال و هوای عجیب و ارزشمندی می بیند. حال و هوایی که اگر تبدیل به عادت شود، حتی می تواند او را تا عرش الهی بالا ببرد.

روزه دار به واسطه ی روزه ای که می گیرد، همانند مشک خوشبویی که از نظر انسان ارزشمند است، در نزد پروردگار خود ارزش و جایگاه پیدا می کند و خداوند از او راضی و خشنود می گردد.

از رحمت الهی ناامید نشو و توبه کن اما:

بسیاری از افراد، خام حرف های نادرستی که بین اکثریت رواج یافته است، می شوند و می گویند من گناهکارم پس چطور می توانم بنده ی خوب خدا باشم و به لطف و رحمت او امیدوار؟ انسان ها برای اینکه توانایی و انگیزه توبه کردن داشته باشند، باید به دو نکته توجه کنند: ۱. در مورد زیان های گناه فکر کنند. ۲. باور پیدا کنند تمامی آسیب هایی که به واسطه ی انجام گناه به بار می آید، با توبه جبران می شود. باید هر چه سریع تر در این مورد اقدام کند. زیرا تأخیر در توبه، کار شیطان رجیم است.

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: در جوانی توبه کنید، زیرا در این دوره انسان تعلقات مادی کمتری دارد که به واسطه‌ی آن نسبت به دوران پیری، راحت‌تر می‌تواند توبه کند. البته توبه شرایطی دارد که در صورت رعایت آن‌ها، توبه پذیرفته می‌شود. این شروط عبارت اند از: ۱. اخلاص و پشیمانی واقعی ۲. اراده قطعی در جهت ترک و انجام ندادن کار حرام (گناه) در آینده ۳. جبران گذشته ۴. استغفار و طلب بخشش از خداوند. با توجه به این مباحث می‌توان این ندای الهی را شامل حال همه‌ی بندگان دانست:

هر چه که هستی بیا، گر چه که پستی بیا
توبه شکستی بیا، دوست نظر می‌کند
نیمه شب خلوت است، مظهر هر رأفت است
عاشق شوریده‌را، دوست نظر می‌کند
ای شده غرقِ گناه خوابِ گران تا به کی
چاره‌ی درد تو را دیده‌ی تر می‌کند
شاعر: گمنام

انسان از طریق توبه می‌تواند شخصیت از دسته رفته خود را بازیابی کند و به حالت اولیه حتی بالاتر از آن برود. همانند گلی در یک باغ، که بر اثر بی‌توجهی پژمرده می‌شود اما اگر تا قبل از اینکه کاملاً خشک شود، بر اثر رسیدگی‌های مناسب‌تر، حالش خوب شود می‌تواند حتی زیبا تر از قبل در چشم بینندگان جلوه کند. وقتی زیبا شد در نظر همگان محبوب می‌شود. انسان هم همینطور است. وقتی با توکل بر خدا توانست توبه کند، انجام واجباتی مثل نماز و روزه را بر هر چیز دیگر ارجح بداند و در جهت انجام هر چه بهتر آن‌ها نهایت تلاش خود را انجام بکند، خداوند نسبت به او اظهار محبت و لطف و او را از رحمت خویش بهره‌مند می‌کند.

خدا می‌خواهد انسان به بالاترین سطح از اخلاق و کمال برسد. برای موفقیت در این کار، توصیه‌های فراوانی را از طریق پیامبران و امامان خود، بیان کرده است. جهت رسیدن به این مرحله قبل از هر چیزی باید ذهنی سالم و پویا داشت. خود این امر هم در گرو انجام کارهایی است که در دین اسلام بر خی از آن‌ها مثل روزه گرفتن واجب شده است. انسان باید قدر محبت و توجهی که خدا به او دارد را بداند و متوجه این باشد وقتی جرقه‌ای در ذهنش برای ایجاد تغییر و تحول در زندگی زده

می‌شود و او را به کار و تلاش و می‌دارد، بیانگر این است که خداوند نگاه ویژه‌ای به او کرده است. خدا او را دوست دارد و نمی‌خواهد بنده‌اش را اسیر خواهش‌های نفسانی و در ذلت و خواری ببیند. دوست دارد همیشه او را مثل شکوفه‌های تازه روپیده در بهار، زیبا، شاد، پر تلاش و پر انگیزه ببیند تا بتواند در جهت رشد کمالات انسانی خود، قدم بردارد.

منابع:

— قرآن کریم

— نهج البلاغه

— خرمی، جواد، مقاله «توبه در قرآن»، فصلنامه مبلغان، ۱۳۸۴، شماره ۷۱

— یوسفیان، نعمت‌الله، مقاله «اسرار روزه»، فصلنامه پیام، ۱۳۸۷، شماره ۹۰

— مصباح یزدی، محمد تقی، «سخنرانی ایشان تحت عنوان موانع توبه»، فصلنامه مبلغان، ۱۳۸۷، شماره ۱۰۳

سخن نویسنده:

خدای مهربانم

عشق، محبت و الطاف بی‌پایانت را بر من ببخشای

با کسب اجازه محضر از ولی عصر (عج)

این مطلب را به روح بلند سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی بزرگوار تقدیم می‌کنم.

باشد که مورد قبول واقع شود

ان شاءالله...

سلام بر غریب بقیع

ماه، رخسار به خاک مزاری نهاده، که مدت‌هاست
روشنای هیچ شمع‌ی را حس نکرد، سوسوی هیچ فانوسی
را نشنید و گرمای هیچ اشکی را لمس نکرد. مزاری که مثل
صاحب غریبش، غریب است. تنها حضور اشک‌های یک مرد را
می‌فهمد.

یک تکه از آسمان است، که در دل خاک پنهان است. یک
سهم از بهشت است، که در بقیع گم شده است. یک سوره از
قرآن است، که قرن‌ها تلاوت نشد، جز با لب و زبان همین مرد؛
همین مرد که چهره بر خاک گذارده و غریبانه‌ترین عاشقانه‌ها
را در فراق آن غربت بی‌نهایت، سر داده است. بقیع، در خلوت
غریبانه‌اش دل به صدای مردی سپرده است؛ مردی که خدا،
بسیار دوستش دارد.

گفتم: غریب؟ چه کنم که حروف، غیر از این توانی برای
بیان حال تو ندارد؛ و گرنه کجا با یک کلمه می‌شود به عمق
غربت تو رسید؟ حال تو را چه کسی جز خدای تو می‌داند؟
تو حتی در میان اهل خانه خود غریب بودی آخر، غربت هم
اندازه‌ای دارد، صبر هم حدی دارد، غم هم... آه! چه بگویم از غم
های بی‌کران تو ای پیشوای غریب؟!

ما کویر و نگاه تو دریا
پس کرم کن به خشکسالی ما
روژه داران یک نگاه توایم
سفره دار قدیمی دنیا
میلاد امام حسن (ع) مبارک باد.

سلام، امام غریب من!
آمده‌ام؛ با تمام دلم، با قدم‌های احساسم، با حضور هر چه
تمام ارادتم.

آمده‌ام؛ تا فانوس‌های روشن اشک‌هایم را، بر مزار
بی‌چراغت، بیاویزم!
آمده‌ام؛ تا شریک غربت بی‌نهایت باشم.
کبوترانه آمده‌ام تا از دستان مهربانت، آب و دانه بدهی!
آمده‌ام؛ با دسته دسته یاکریم‌های اخلاص و محبت، تا
شاید لحظه‌ای در گنبد نگاه مهربانت، پناه گیرم.
ای کریم اهل بیت! حالا این من و این بی‌حد و مرز لطف تو.
این دل کوچک من و این عنایت بزرگ تو. این گدای غریب
و این هم، سلطان غریب؛ بزم غریبانه‌مان جور است.
تو غریب، من هم غریب.

اما نه! غربت من کجا و غریبی تو کجا! آخر شما، غربت
را هم از پدر به ارث برده‌ای و هم از مادر مولای من! چگونه
می‌شود زینت شانه‌های پیامبر باشی، خون علی و فاطمه در
رگ‌هایت جاری باشد، هم خانه با حسین باشد، هم شانه با علی،
چون چلچراغ علم، سید جوانان اهل بهشت باشی و آن وقت،
این روزگار نامرد، دل به عشقت نسپارد.

سلام بر او که با عصمت و طهارت فاطمی، در خاک غریبانه
بقیع آرمیده است و آفتاب و ماهتاب، تنها سنگ مزار اویند و
سایبان خستگی‌های تربتش، تنها، بال کبوترانی است که روز و
شب بر آن خاک بوسه می‌زنند! حقیقتا با آن مزار خاکی و سقف
کبوتری، می‌خواستی نشان دهی از همه مادری تری.

بانوی آفتاب

السلام و علیک ای نور کبری. نیره عظمی. ای چراغ روشن
شب‌های رسالت.

کاش هنوز بودی و بقچه محبت را تا غار حرای تنهایی رسول،
به دوش می کشیدی.

تا اوج وفای خود را با پرچم صفای زنانه‌ات بر قله کوه‌های مکه
به تماشا بگذاری. سلام بر تو ای انیس دین ای مونس محمد.

سخن از خدیجه، سخن از یک دنیا عظمت و پایداری است؛

سخن از خدیجه، سخن از گذشت و ایثار است. سخن از خدیجه،

سخن از عشق است؛ سخن از او سخن از ایستادگی ای زنانه

است، در راهی که عشق و سعادت در آن به هم پیوند خورده‌اند.

و خدیجه یار و همراهی است که از ابتدای راه با قبول نور نبوت،

قلب خود را با انفاق اموالش، دنیای خود را و با وفاداری‌اش،

وجود خود را وقف راهی پر از سعادت کرد و در این راه نوری را

به دنیا آورد که مایه سعادت اهل زمین و آسمان و مایه وجود

همگان شد.

او از دلتنگی و غم و تحقیر، تنهایی هنگام بارداری، از تحمل

تحریم در شعب و از تندبادهای سختی در زندگی خود، نردبانی

به سوی خدا ساخت و خداوند عشق را در بهشت برای او بنا نهاد.

پس سلام بر خدیجه. سلام بر آرامش قلب پیامبر و مادر فاطمه.

سلام بر کوه استقامت و ایثار.

از شعبان پیامبر تا فروردین خمینی



به کشتن می‌اندازد، تمام توانمندی‌هایش را به میدان می‌آورد و به قدر تمام مقدوراتش و حتی بالاتر از آن دوندگی می‌کند و خب، چه توانمندی و مقدوری بهتر از «آمت» ش؟ از همه آنها می‌خواهد به میدان بیایند و شاخه‌های درخت طوبی را بگیرند تا شکر این نعمت نه با یک زبان و یک نفر، که با میلیون‌ها زبان و نفر رقم بخورد و کثرت آمت بدون اینکه نفی شود، حول محور پیامبر با هم ترکیب شود و یک برآیند واحد از جنس «پرستش و بندگی» را رقم بزنند و این بندگی و شکر به جای منحصر شدن در پیامبر، مرکب از رفتار او و آمتش باشد و تا همیشه تاریخ، عمر و امتداد پیدا کند و دائماً افزون‌تر شود.

بخاطر همین‌ها، گمان می‌کنم همه اعمالی که در ماه شعبان وارد شده، از روزه و مناجات و صلوات شعبانیه تا صدقه و استغفار و اذکار، همگی ابزارهایی برای یاری به پیامبر هستند تا او از طریق ما، «بخوع» شعبانیه‌اش را با ترکیب پیچیده‌تر و جزئیات بیشتری به خدایش تقدیم کند. مثلاً همین ذکر «لا اله الا الله و لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين و لو كره المشركون» که گفته‌اند هزار بار در ماه شعبان بخوانید؛ مخصوصاً با آن صیغه جمع در «تعبد» و «مخلصين» که توحید را از شکل فردی در می‌آورد و «پرستش دسته‌جمعی» و «اخلاص اجتماعی» را فریاد می‌زند: وقتی «توحید» باعث ایجاد یک «جمع» شود و انسان‌ها به این دلیل جامعه بسازند که نه فقط نیازهای مادی که نیازهای یکدیگر برای پرستش عمیق‌تر و پیچیده‌تر خدا را هم برطرف کنند، یک قدرت ایمانی درست شده که اهالی باشگاه قدرت مادی را به ترس و لرز و کراهت و نفرت می‌اندازد و «ولو كره المشركون» را به یک رویه حتمی تبدیل می‌کند.

فکر کنم کمی سخت شد. خب می‌شود کار را راحت‌تر کنیم و برویم سراغ جمله‌ی کسی که عمرش را صرف همین

«زمان» پدیده‌ی مهیب و مسلّطی است و آدم‌ها هر چقدر هم گردن‌کش شوند، نمی‌توانند از تسلط زمان بر خودشان فرار کنند و محکوم آن نباشند. حالا فکر کنید خالق زمان تصمیم گرفته باشد همچنین پدیده‌ای را گره بزند به نام نامی محمد و با شخص شخیص پیامبر اکرم. شاید برای این که نشان بدهد که برترین پیامبرش مثل بقیه‌ی بنده‌هایش نیست و مخلوقی را آفریده که حتی بر زمان هم حکومت دارد. اگر کسی به من بگوید «ماه شعبان یعنی چه»، انتخاب عقل ناقص من، همین جمله‌های بالایی است.

احتمالاً عظمت این نعمت بوده که نبی اکرم را به یک رفتار خاص در ماه شعبان سوق می‌داده: «الذی کان رسول الله یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه» روزهای روزه و شب‌های به‌پا خاسته که محبوب‌ترین آفریده‌ی خدا آنها را با حالت ویژه‌ی «بخوعاً لک فی اکرامه و اعظامه» همراه کرده و ما را یاد «لعلک باخع نفسک» انداخته. نمی‌دانم تعبیر درستی بکار می‌برم یا نه ولی به حکم معنای «بخوع» در قرآن، انگار هدیه خدا به پیامبرش به قدری مهابت داشته که نبی اکرم «خودش را به کشتن می‌انداخته» تا بتواند پاسخ این رحمت را بدهد و شکر این هدیه‌ی مخصوص را به جا بیاورد.

شاید از همین حال نبی، بشود حکمت ندای آن مُنادی را که به فرمان پیامبر در مدینه فریاد می‌زد، حدس زد: «ای مردم مدینه! بدانید که شعبان، ماه من است. پس خدا رحمت کند هر کسی را که من را بر [ادای حق] ماه من، یاری کند.» پیامبر که خودش یاری‌کننده همه‌ی انسان‌ها و جوامع است و به حکم صلوات شعبانیه، «غیاث المضطر المستکین» نام گرفته، چرا باید از بقیه کمک بخواهد؟ چون می‌خواهد با حالت «بخوع» از این هدیه‌ی خدا تشکر کند. کسی که برای کاری خودش را

شعبان، ماه من است. پس خدا رحمت کند هر کسی را که من را بر [ادای حق] ماه من، یاری کند...»

تقدیم به جمهوری اسلامی عزیزتر از جان در سالروز ولادتش؛ نظامی که با «استکبارستیزی در سیاست»، پرچم دفاع از «پرستش اجتماعیِ خدای متعال» را در قرن بیستم به اهتزاز در آورد و حالا باید با دستیابی به نسخه‌ی عملی «عدالت‌محوری در اقتصاد»، از آزمون «ظهور کامل نفرت از مشرکین» در این عرصه هم با سربلندی عبور کند...

ذکر کرده و ترجمه امروزمین آن را در سراسر منطقه پراکنده. منظورم خمینی کبیر است که گفت: «حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.» مردی که زندگیش را به ابزاری برای بخوع پیچیده‌تر پیامبر اکرم تبدیل کرد و از طریق ملت ایران، پرستش جمعی خدای متعال را مبنای «جمهوری اسلامی» قرار داد. یعنی در زمانه‌ای که شرک و جاهلیت مدرن می‌خواست با «تقسیم کار بین المللی»، امت پیامبر اکرم را به ابزاری برای غلیظ‌تر کردن دنیاپرستی خودش تبدیل کند، جمهور ایرانیان را بر محور «قدرت اسلام» و «اقتدار موحدین» در برابر مشرکین و منافقین، جمع کرد و با زبان میلیون‌ها ایرانی، به میلیون‌ها زبان فریاد زد: «لا اله الا الله و لا نعبد الا اياه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون».

حتی اگر مشرکین بدشان بیاید و از نفرت و عصبانیت بمیرند، ترکیب‌شدن امت با پیامبر از فراز قرن‌ها عبور کرده و صدای منادی رسول الله زمان و مکان را درنور دیده به دوازدهم فروردین رسیده و در کوچه‌های ایران پیچیده: «بدانید که



تولید؛ دانش بنیان؛ اشتغال آفرین

سخنرانی رهبر انقلاب در عید نوروز ۱۴۰۱

سال ۱۴۰۱؛ سال «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین»

سخن ما در درجه‌ی اول در زمینه‌ی مسائل اقتصادی است. علت اینکه ما بحث اقتصادی را در این روز اول سال مطرح می‌کنیم، اولاً به خاطر اهمیت مسئله‌ی اقتصاد است؛ یعنی واقعاً اگر در کشور رشد اقتصادی همراه با عدالت به وجود بیاید، همه‌ی زمینه‌های پیشرفت فعال خواهد شد و کشور به پیشرفت واقعی خواهد رسید؛ یعنی اقتصاد یک چنین نقش محوری دارد.

برای رشد اقتصاد کشور و اصلاح امور اقتصادی کشور، به طور قاطع باید به سمت اقتصاد دانش بنیان حرکت بکنیم؛ «اقتصاد دانش بنیان» یعنی چه؟ یعنی اینکه دانش و فناوری پیشرفته نقش آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد در همه‌ی عرصه‌های تولید. «همه‌ی عرصه‌های تولید» که عرض می‌کنیم، یعنی حتی انتخاب آن کار تولیدی؛ چون لزومی ندارد که انسان همه‌ی کارهای تولیدی را انجام بدهد. انتخاب آن کار تولیدی هم باید برخاسته از نگاه دانشی و بینشی و علمی باشد؛ این معنای اقتصاد دانش بنیان است که در همه‌ی عرصه‌های اقتصاد دخالت داشته باشد.

اقتصاد دانش بنیان منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت: هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؛ یعنی اقتصاد دانش بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود؛ بهره‌وری

را افزایش می‌دهد که امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است؛ کیفیت محصول را افزایش می‌دهد، بهبود می‌بخشد و محصولات را رقابت پذیر می‌کند؛ یعنی در بازارهای جهانی، ما می‌توانیم از این محصولات به عنوان محصولات رقابت پذیر استفاده کنیم، در داخل کشور هم همین جور؛ یعنی در داخل کشور هم، ولو ما در مورد واردات هم خیلی تعرفه نگذاریم و واردات سرازیر بشود، وقتی محصول داخلی کیفیت بهتری داشت، قیمت ارزان تری داشت، مردم طبعاً به آن اقبال می‌کنند؛ یک چنین خصوصیتی در تولید دانش بنیان وجود دارد.

متأسفانه بخش کشاورزی از عرصه‌ی دانش بنیان یک مقداری دورتر از بخش‌های صنعت و خدمات و مانند اینها است. اگر ما در کشاورزی، شرکت‌های دانش بنیان را افزایش بدهیم و دانش را در مسئله‌ی کشاورزی به کارگیری کنیم، می‌توانیم در امر اصلاح بذر که خیلی در تولید محصول کشاورزی مهم است در مورد آبیاری نوین، در مورد شیوه‌های جدید تولید، در مورد بهره‌وری بهتر از آب و خاک، که آب و خاک دو محصول ارزشمندند که قبلاً هم اشاره کردیم می‌توانیم حداکثر استفاده را بکنیم، بهره‌وری مان را افزایش بدهیم و این‌ها را اصلاح کنیم. وقتی که در کشاورزی توانستیم این پیشرفت‌ها را به وجود بیاوریم و تحول جدی ایجاد بکنیم، این موجب می‌شود که اولاً امنیت غذایی کشور حاصل بشود و



دست خواهد آمد؛ یعنی اگر ما به معنای واقعی کلمه بتوانیم این شرکت‌ها را تولید کنیم و به وجود بیاوریم که در این زمینه دچار خطاهایی که گاهی در گذشته شده‌اند نشویم، اشتغال هم زیاد خواهد شد. گفتم خطاهای گذشته؛ ما در دولت‌های مختلف طرح‌هایی با نام‌های گوناگون داشتیم که تسهیلات بانکی را در اختیار افراد بگذاریم برای اینکه تولید بالا برود؛ تقریباً همه‌ی این طرح‌ها ناموفق بود. پول‌پاشی کردن و بی‌ملاحظه اقدام کردن به جایی نخواهد رسید؛ باید این کار خیلی با دقت و مطالعه و درست انجام بگیرد و فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان به صورت زنجیره‌ای شکل پیدا بکند.

شما بایستی مثلاً فرض کنید که محاسبه کنید امکانات را؛ بله، امکانات لازم دارد لکن مهم‌ترین امکانات، نیروی انسانی است؛ ما از لحاظ نیروی انسانی خیلی دستمان باز است. من به شما عرض بکنم تعداد زیادی از عناصر تحصیل کرده‌های سطح بالای ما، یک درصد بالایی — که این درصد را به من گزارش کرده‌اند از کسانی که تحصیل کرده‌های سطح بالا هستند، در رشته‌های غیر تحصیلی خودشان مشغول کارند؛ چرا؟ می‌توان این‌ها را در آن رشته‌های خودشان مشغول کار کرد، به اینها کمک کرد، پشتیبانی کرد تا بتوانند شرکت‌های دانش‌بنیان را تشکیل بدهند؛ البته باید شناسایی کرد، باید دنبال کرد. نیروهای متخصص جوان در کشور ما بحمدالله یکی از ثروت‌های بزرگ یا شاید بزرگ‌ترین ثروت موجود این کشور است که بحمدالله وجود دارد و می‌شود از دانش اینها، از همت اینها، از نیروی جوانی اینها به نفع ثروتمند کردن کشور استفاده کرد.

به دست بیاید، یعنی کشور از لحاظ مسائل غذایی هیچ وقت دچار مشکل نشود، هیچ نگرانی‌ای وجود نداشته باشد؛ ثانیاً درآمد کشاورزان افزایش پیدا کند؛ خیلی خوب است که درآمد کشاورزان ما افزایش پیدا بکند و به کشاورزی دلگرم بشوند و ادامه بدهند، که این محصول فوق‌العاده باارزشی است؛ همچنین معضل کمبود آب را می‌شود حل کرد.

در همه‌ی بخش‌های دیگر هم چه بخش‌های مربوط به تولید، چه بخش‌های مربوط به خدمات همین برکات وجود دارد؛ یعنی حجم محصول افزایش پیدا می‌کند، کیفیت بالا می‌رود، قیمت تمام‌شده کاهش پیدا می‌کند؛ در واقع دانش‌بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی را ارتقاء می‌دهد؛ این امر مهمی است، یک نقطه‌ی حساس و اساسی‌ای است. همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از مشکلات کشور کاهش بهره‌وری است؛

یعنی به تناسب آن مقداری که هزینه مصرف می‌کنیم، از این هزینه‌مان بهره‌برداری نمی‌کنیم؛ در بخش‌های مختلف همین جور است؛ بهره‌وری در کشور کم است ما در زمینه‌ی بهره‌وری عقبیم.

اگر چنانچه ما به سمت دانش‌بنیان حرکت کردیم، این معضل مهم اقتصادی حل خواهد شد.

من فقط به طور خلاصه عرض می‌کنم که رسیدن و دست یافتن به پیشرفت عادلانه در اقتصاد و حل مشکل فقر در کشور، که ما مشکل فقر و استضعاف مالی را در کشور بخواهیم حل کنیم، فقط از مسیر تقویت «تولید» می‌گذرد؛ اگر ما تولید را تقویت کردیم که تقویت آن هم به همین دانش‌بنیان بودن است، این مقصود بزرگ ان شاءالله حاصل خواهد شد.

بحث اشتغال‌آفرینی را هم من ذکر کردم که آن هم خیلی مهم است. اشتغال‌آفرینی با همین شرکت‌های دانش‌بنیان به

زندگی زیباست

معرفی کتاب

بیست سال بعد از شهادت مرتضی تقریباً با هیچ کس. هیچ کس یعنی آن کسی که بعداً بخواهد نتایج گفت‌وگویش را جوری منتشر کند.

برشی از کتاب به روایت محمدرضا حدادی:

«اولین بار توی جمکران دیدمش. آن وقت هنوز نمی‌شناختمش. نشسته بود و با صدایی گرم، دعا می‌خواند و نرم نرم می‌گریست. کنارش نشستم و دل به دعایش سپردم. دعا که تمام شد، سلام و علیکی کردم و التماس دعایی. گفت: محتاج دعائیم و وقتی دیوان حافظ را در دستم دید، ادامه داد: با حافظ همراهید؟ گفتم: دوست دارم. گفت: برایم باز کن. باز کردم، آمد: «خرم آن روز کزین منزل ویران بروم» گریست، من هم گریستم. گفتم: شما؟! گفت: مهره‌ای گم در صفحه‌ی شطرنج الهی.»

کتاب «زندگی زیباست؛ روایتی از حیات شهید سید مرتضی آوینی» که مفصل‌ترین کتاب درباره حیات شهید آوینی است با روایتی مستند و داستانی، به قلم سید عباس سید ابراهیمی، که با استفاده از خاطرات و گفت‌وگوهای غالب افرادی که با این اندیشمند و هنرمند برجسته انقلاب اسلامی مرتبط بودند، تلاش کردند که زوایای مختلف زندگی این شهید بزرگوار را به مخاطبان بشناساند.

بخشی از مقدمه نویسنده کتاب:

اولش قرار بود که یک تحقیق کوتاه و جمع و جور باشد در مورد شخصیت فکری و فرهنگی مرتضی آوینی. دنبال کتابی بودم که در آن، کسی مبتنی بر یک تحقیق جامع همه زندگی آوینی را روی دایره ریخته باشد، اما نبود. بعدها فهمیدم که برای خیلی شخصیت‌های مهم دیگر هم این اتفاق نیفتاده است. تحقیقاتم حدود یک سالی طول کشید. خیلی سخت بود، چون تقریباً از صفر شروع کرده بودم و کم کم باید همه آنهایی را که به مرتضی ربطی داشتند پیدا می‌کردم. نکته‌ای که کار را سخت‌تر می‌کرد آن بود که عده‌ای از نزدیکان آوینی حتی حاضر نبودند اندک صحبتی از او بکنند. نه تنها با من، که در این

نگاهی بر فیلم «موقعیت مهدی»

رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای بعد از تماشای این فیلم آن را مورد تحسین قرار دادند و بیان کردند: موقعیت مهدی عالی بود؛ پر از نکته‌های دقیق و روایتی درست، شخصیت شهیدان باکری، خصوصا محور فیلم که آقا مهدی است را به درستی و با ظرافت روایت کرده است...

موقعیت مهدی تلفیقی از زندگی، عشق، جنگ... موقعیت مهدی روایتی درست و متفاوت از دوران زندگی شهید مهدی باکری از زمان ازدواج تا شهادت ایشان است که در ۶ پرده به تصویر کشیده شده است.

در این فیلم رابطه صمیمانه دو برادر (شهید حمید باکری و شهید مهدی باکری) از نقاط قوت این فیلم محسوب می‌شود. در فیلم موقعیت مهدی دیالوگ‌هایی به کار برده شده است که در عین سختی امید را رواج می‌دهد.

به اعتماد و رابطه عمیق بین دو برادر توجه ویژه‌ای شده است و اهمیت همراهی و حضور هر دو در جنگ به خوبی نشان داده شده است؛ در سکانس‌های آخر فیلم بعد از شهادت حمید، از شهید مهدی باکری می‌شنویم که: اگر حمید الان زنده بود، تنها نمی‌ماندیم...

ساخته شدن فیلم با تلفیق زبان فارسی و ترکی که زبان اصلی شهید باکری بوده است باعث ارتباط گیری راحت و سریع بیشتر مخاطبان با فیلم شده است و به واقعی‌تر به نظر رسیدن جلوه‌های مختلف این فیلم کمک بزرگی کرده است.

از مهم ترین نقاط قوت موقعیت مهدی، موسیقی متن اثر گذار و استفاده به جا از نوحه و لالایی ترکی در سکانس‌های مختلف به ویژه صحنه شهادت حمید باکری است که مخاطب را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

به قدرت می‌توان گفت که موقعیت مهدی از سه فیلم برتر با موضوع دفاع مقدس است که تا به حال ساخته شده است. این فیلم مخاطب را به طور کامل از ابتدا تا انتهای فیلم با خودش همراه می‌کند، به طوری که مخاطب با قهرمان فیلم گریه می‌کند، می‌خندد، احساس همدردی می‌کند و زندگی می‌کند...

و در آخر کلام شهیدان زنده‌اند، به خوبی در فیلم نمایش داده شده است که اگر شهید زنده نبود، مگر می‌شد چنین اثری خلق کرد و بر سالن‌های خشک سینما روح تازه‌ای دمید؟! «موقعیت مهدی، موقعیت شیدایی است و هادی حجازی‌فر هنر شیدا شده خود را در آن متجلی کرده است.»

دیدار نگار

دیدار با خانواده معظم شهید محسن حاجی حسنی کارگر



از زبان پدر گرامی شهید:

محسن از بچگی علاقه فراوانی به قرآن داشت و هر زمان که من از بیرون به خانه می آمدم، می دیدم که محسن جلوی تلویزیون نشسته و عبا بر روی شانه گذاشته و پارچه ای به دور سر بسته و ادای قاریان مصری را در می آورد و چون علاقه فراوانی به قرآن داشت، برادران محسن او را به کلاس های قرآن می بردند.

محسن از ۴ سالگی علاقه فراوانی به قرآن پیدا کرد، بسیار به نماز اول وقت اهمیت می داد، بسیار به احترام به پدر و مادر تاکید می کرد و از سن ۷ سالگی نماز اول وقتش ترک نشد و همیشه به شاگردانش، احترام به پدر و مادر و خواندن نماز اول وقت را تاکید می کرد. محسن همچنین خیلی با گذشت بود و هر جا که می رفت هدیه می داد.

پدر شهید همچنین بیان داشتند که علت نامگذاری محسن برای شهید، این بود که مادر شهید علاقه خیلی خاصی به حضرت زهرا (س) داشتند و روضه حضرت زهرا (س) در منزل برگزار می کردند، به همین دلیل مادر محسن تصمیم گرفتند که ما نام محسن را برای فرزندمان، انتخاب کنیم.

در ادامه گفت و گویی با برادر شهید آقای مصطفی حاج حسنی کارگر داشتیم. ایشان نیز اظهار داشتند که: برادر شهیدشان از آنجا که علاقه وافری به قرائت قرآن داشتند، در دوران دانش آموزی توانستند صاحب مقام کشوری شوند و بعد از آن صاحب عنوان نفر اول مسابقات مقطع شکوفه های قوام شدند.

بعد از این مسابقات نیز ایشان به مسابقات بین المللی عربستان دعوت شدند. برادر شهید همچنین اظهار داشتند که: مسابقات مالزی که قدیمی ترین مسابقات در جهان اسلام است و بالغ بر ۶۰ سال است در حال برگزاری است، برادر ما توانست رکورد را از نمره ۸۸ تا ۷۸/۹۵ جا به جا کند و این خودش افتخار بسیار بزرگی بود و بالاتر از آن این بود که، محسن توانست این افتخار را با جمله صدق الله العلی العظیم کسب کند؛ این در حالی بود که در مسابقات مالزی، به مذهب شیعه نگاه خوبی ندارند و کسانی که شیعه باشند، طبق آیین نامه آنها احتمالاً نمره نمی آورند، یا اگر نمره بیاورند، نمی توانند جزء نفرات برتر شوند.

ولی محسن بر خلاف اینکه هم سفیر مالزی و هم مربیانش گفته بودند که نیاز به گفتن صدق الله العظیم نیست، ایشان

دوست داشتند که به عنوان یک قاری شیعه شناخته شوند و همین کار را هم کردند و پرچم یک قاری شیعه را به اهتزاز در آوردند و رکورد دار مسابقات بین المللی شدند.

آقای مصطفی حاج حسنی کارگر همچنین به خاطره ای فراموش نشدنی از برادر شهیدشان اشاره کردند: یکی از خاطرات جذاب من با محسن این بود که من با محسن بر سر اذان گفتن در مسجد نزدیک محلمان با هم رقابت داشتیم، محسن برای اینکه من دیرتر به مسجد بروم و خودش بتواند اذان بگوید، کفش های مرا قايم می کرد و تا من می خواستم کفش هایم را پیدا کنم و خودم را به مسجد برسانم، صدای اذان محسن به گوش می رسید. در پایان که از پدر شهید پرسیده شد زمانی که از شهادت پسر تان باخبر شدید، چه حس و حالی پیدا کردید؟ در پاسخ گفتند: قبل از اینکه خبر شهادت محسن را به ما بدهند، مادر محسن از روز قبلش خیلی احساس دلهره و نگرانی داشتند، می گفتند نمی دانم چرا این همه دلهره دارم، به پسر مصطفی گفتند که زنگ بزنند و پیگیر احوال شوند.

مصطفی هم که می دانست تعدادی از حاجیان در منا به شهادت رسیدند، چیزی به ما نگفت. تا اینکه یک روز صبح ساعت ۶ بود دیدیم در کوچه را می زنند، مصطفی در را باز کرد، اقوام همگی با لباس سیاه آمده بودند و به ما تسلیت گفتند.

آنجا بود که فهمیدیم محسن هم جزو همین شهداست. این در حالی بود که مصطفی به ما گفته بود، محسن حالش خوب است و در بیمارستان به سر می برد، ولی خود مصطفی هم اخبار درستی نداشت. فقط برای رفع نگرانی ما این را گفته بود.

توصیه پدر شهید به دانشجویان عزیز:

اینکه هر روز حداقل یک صفحه از قرآن را تلاوت کنید، به پدر و مادر خود احترام بگذارید و نماز اول وقتتان فراموش نشود.

مجمع یادواره شهدای
دانشجویان دانشگاه شیراز
برگزار میکند:

دیدار مجازی

با خانواده شهید
مدافع حرم

عماد

بهمین

سه شنبه

۳۰ فروردین

ساعت ۲۰:۳۰

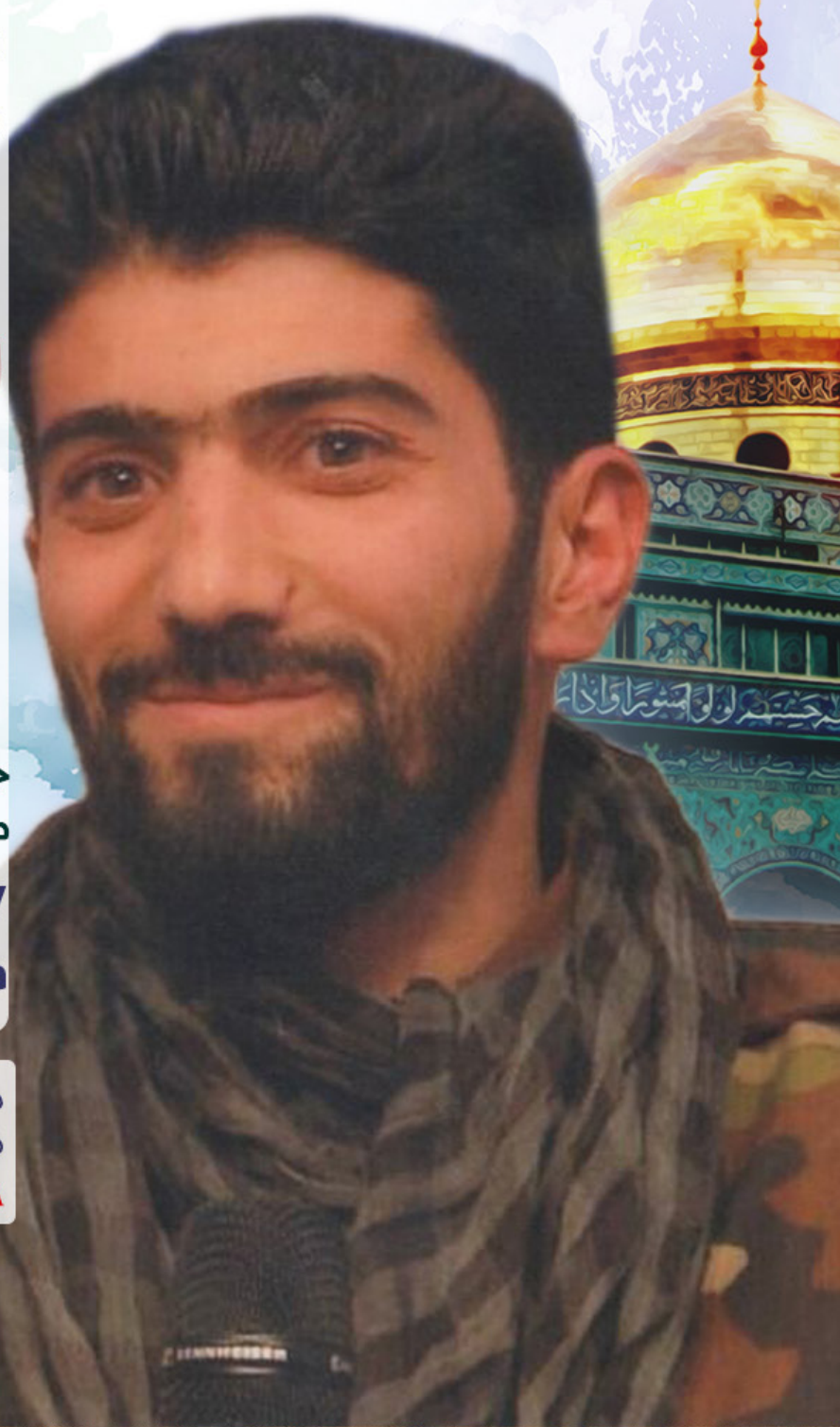
جهت شرکت در برنامه به عنوان
میهمان وارد لینک زیر شوید:

[www.skyroom.online/ch/
shirazuiec/myshohada](http://www.skyroom.online/ch/shirazuiec/myshohada)



مجمع یادواره شهداء
دانشجویان دانشگاه شیراز

MYSHOHADA



شما می‌توانید با اسکن کردن کد زیر فایل الکترونیک
نشریه را دریافت نمایید.



راه‌های ارتباطی:



eitaa.com/myshohada



[instagramcom/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)



۰۹۱۷۷۸۷۳۹۹۸



شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَهُوَ شَهْرُ الْبَرَكَةِ

ماه رمضان، ماه خداست و آن ماهی است که خداوند در آن حسنات را می افزاید و گناهان را پاک می کند و آن ماه برکت است.
(بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۴۰، ح ۵)